



A Comparative Study of the Political Rights of Citizens in the Constitution of Iran and International Documents

Hamid shakeri¹

PhD in Public law, University Lecturer, Email: hamidshakeri 90@gmail.com

Abstract

Today, in the legal literature of the modern state, the rights and privileges of citizens have a high place. Some have divided citizenship rights into three categories: civil, political and social rights, which include the most important rights of citizens. Since the constitution is a kind of instrumental mechanism to guarantee social order, provide the wishes of the individual and the limits and scope of the government's authority, its purpose is to protect the public and individual rights and freedoms of human against the inherent aggression of the political power structure. In the discussion of the constitution and citizens' rights, it is both rational and appropriate to accept a definitive assumption that no constitution can inherently remain silent regarding the rights of citizens; Rather, the most fundamental part of any constitution is declaring the basic rights and freedoms, especially the political rights, of citizens. In the legal system of Iran, the rights and privileges of citizenship were considered and taken into account first in the amendment to the constitution, then with the occurrence of the glorious Islamic revolution and the foundation of the Islamic Republic system, the political rights of citizenship were broadly and explicitly included in the constitution of the Islamic Republic of Iran was considered. On the other hand, in international law, especially in international documents, it recognizes the rights of individuals and especially the political rights and obligates governments to comply with these international rules. Based on this, the researcher, with the descriptive-analytical and data collection method, following the nature of the research, the library method, seeks to answer the following questions: Has the constitution legislator predicted political examples of citizenship rights in the constitution? Are these examples used in international documents? And what affinity can there be between them? Anyway, after reviewing the materials, it can be seen that the legislator has considered examples of political rights for citizens both in the constitution and in international documents. These examples have a lot of similarities considering that human nature and human being are meant to be human.

Key words: Political rights, citizenship rights, human rights, the constitution, international documents.

Received: 2024/03/25; **Revised:** 2024/04/24; **Accepted:** 2024/06/08; **Published online:** 2024/06/21.

How To Cite: shakeri Hamid, (2024). A comparative study of the political rights of citizens In the Constitution of Iran and international documents, *Journal of Comparative Public Law*, 1(2), 42-67.

[doi.org/ 10.22091/CPL.2024.10556.1021](https://doi.org/10.22091/CPL.2024.10556.1021)

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





مطالعه تطبیقی حقوق سیاسی شهروندان در قانون اساسی ایران و اسناد بین‌المللی

حمید شاکری^۲

دکتری حقوق عمومی، مدرس دانشگاه، ایمیل: Hamidshakeri90@gmail.com

چکیده

امروزه در ادبیات حقوقی دولت مدرن، حقوق و امتیازات شهروندان از جایگاه رفیعی برخوردار است. برخی حقوق شهروندی را به سه دسته حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند که اهم حقوق شهروندان در برمی‌گیرد. از آنجایی که قانون اساسی نوعی سازوکار ابزاری برای تضمین انتظام اجتماعی، تأمین تمنیات فرد و حدود و حیطه اقتدار دولت است، هدف آن پاسداری از حقوق و آزادی‌های عمومی و فردی انسان در برابر تجاوزگری ذاتی ساختار قدرت سیاسی است. در بحث از قانون اساسی و حقوق شهروندان، پذیرفتن یک فرض مسلم هم عقلایی است و هم بجا و آن اینکه هیچ قانون اساسی ذاتاً نمی‌تواند نسبت به حقوق شهروندان ساکت بماند؛ بلکه بنیادی‌ترین بخش هر قانون اساسی، اعلام حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به‌خصوص حقوق سیاسی شهروندان است. در نظام حقوقی ایران نخست در متمم قانون اساسی مشروطه حقوق و امتیازات شهروندی در نظر و مورد توجه قرار گرفت، سپس با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی و پی‌ریزی نظام جمهوری اسلامی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌طور وسیع و صریح حقوق سیاسی شهروندی مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر، در حقوق بین‌الملل به‌خصوص در اسناد بین‌المللی، حقوق افراد و ویژه حقوق سیاسی افراد به رسمیت شناخته و دولت‌ها را مکلف به تبعیت از این قواعد بین‌المللی می‌نماید. پژوهشگر بر همین اساس با روش توصیفی، تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، با پیروی از ماهیت پژوهش، روش کتابخانه‌ای است در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل است: آیا مقنن اساسی مصادیق سیاسی حقوق شهروندی در قانون اساسی پیش‌بینی کرده است؟ آیا این مصادیق در اسناد بین‌المللی به‌کار رفته است؟ و چه قرابتی بین آن‌ها می‌تواند وجود داشته باشد؟ به‌رحال پس از بررسی مطالب دیده می‌شود که مقنن چه در قانون اساسی و چه در اسناد بین‌المللی مصادیقی از حق‌های سیاسی را برای شهروندان در نظر گرفته است این مصادیق با توجه به اینکه ذات انسانی و انسان به ما هو انسان بودن مدنظر است دارای شباهت زیادی است.

واژگان کلیدی: حقوق سیاسی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، قانون اساسی، اسناد بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱.
استناد: شاکری حمید، (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی حقوق سیاسی شهروندان در قانون اساسی ایران و اسناد بین‌المللی، مجله حقوق تطبیقی عمومی، ۱(۲)، ۶۷-۴۲.

doi.org/10.22091/CPL.2024.10556.1021

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم

© نویسندگان



مقدمه

حقوق شهروندی از جمله مباحث بسیار با اهمیت حقوق معاصر به ویژه حقوق عمومی است. مفهوم و موضوع نوظهوری است که به طور ویژه به برتری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرده است. حقوق شهروندی بیش از هر چیز راجع به حقوقی می‌پردازد که هر فرد به‌عنوان تابع یک دولت از آن برخوردار است و مصادیق آن بسیار زیاد است و از برخورداری از مسکن و آموزش و بهداشت گرفته تا حقوقی از قبیل حق دادرسی عادلانه ادامه می‌یابد.

در سطح ملی، می‌توان قانون اساسی هر کشور را به‌عنوان مهم‌ترین سند مکتوب و نظری برای تعریف «حقوق شهروندی» دانست. ارتباط قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین منبع حقوق اساسی با جامعه سیاسی، بر اساس تعریفی است که از حقوق اساسی، وجود دارد. به مفهوم دیگر، در جامعه سیاسی که مرکب از فرمانبران و فرمانروایان است (قاضی، ۱۳۸۵: ۱۹). قانون اساسی را نمی‌توان لزوماً به‌عنوان مبنایی برای واقعیت‌های اجتماعی و عینیت یافته تلقی کرد، چراکه در عمل و واقعیت برخی از این حقوق به دلایل مختلفی عینیت نمی‌یابند. همچنین نوع تعریفی که از این حقوق صورت می‌گیرد، از آنجاکه بر اساس مبنای فلسفی متفاوتی بنا شده است، به تفاوت‌هایی می‌انجامد. از این رو، بررسی این حقوق بر مبنای دیدگاه‌های موجود می‌تواند به رشد آگاهی در این زمینه منجر شود (قاسمی و زیانپور، ۱۳۸۷: ۹۸).

برای بحث پیرامون حقوق شهروندی با توجه به ذات، جوهر و کارکرد قانون اساسی و حقوق اساسی می‌توان گفت از آنجایی که مجموعه قواعد و مقررات مندرج در قانون اساسی ناظر به تنظیم کننده قدرت فرمانروایان و تضمین کننده حقوق شهروندان در مقابل قدرت زمامداران می‌باشد، به‌رحال گفتمان حاکم بر قانون اساسی بایستی تضمین کننده این ماهیت باشد.

شهروندی در ایران پدیده‌ای نوظهور می‌باشد، اگرچه که اولین منشور حقوق بشر و شهروندی متعلق به کوروش کبیر بوده است؛ اما برای تحقق حقوق شهروندی باید به عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در جامعه نیز توجه شود. چراکه اگر به نگرش‌های مذهبی جامعه و ساختار سیاسی کشور و یا زمینه‌های تاریخی کشور اهمیت داده نشود، نمی‌توان انتظار داشت تنها پرداختن به حقوق شهروندی در قانون اساسی، ضمانت اجرایی این حقوق در جامعه باشد. کما اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مؤلفه‌های حقوق شهروندی مکرراً مورد تأکید قرار گرفته است. به هر روی، اصلی‌ترین مانع تحقق کامل حقوق شهروندی در ایران

فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی و نبود آگاهی و شناخت و همچنین، ابهامات موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی در اجرای این حقوق، موانع اصلی بر سر راه اجرای این حقوق می‌باشند.

در حوزه مطالعه حقوق شهروندی و حقوق بشر، آثار چندی به زبان فارسی منتشر گردیده است که از آن جمله می‌توان به کتابی با عنوان «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» که در سال ۱۳۸۴ توسط سید محمد هاشمی و کتاب حقوق بشر ارزش‌ها و واقعیت‌ها از حسین شریفی طرازکوهی، انتشارات میزان (۱۳۹۷) و حقوق شهروندی از حسین شریفی طرازکوهی، انتشارات میزان (۱۳۹۲) و مقاله‌ای از حسینی، هادی (۱۳۹۵)، «وجوه اشتراک و افتراق بین شهروندی و تابعیت در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه حقوق تطبیقی، ش ۲۱ و همین‌طور مقاله احمدی طباطبایی، محمدرضا، «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۸ و مقاله شاکری، حمید و فدایی، علی اصغر (۱۳۹۳).

تحلیلی بر گفتمان حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه کانون وکلای دادگستری فارس، شماره ۵ بهار و مقاله دیگر از کارگزاری، جواد، «حقوق شهروندی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳. در این مقاله نویسنده تلاش کرده است که نخست به بررسی حقوق شهروندی، پیشینه و انواع آن پرداخته شود. سپس به بررسی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در برخی از اسناد بین‌المللی و قانون اساسی در زمینه‌های سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی به صورت موردی اشاره شده است و در پایان مقاله نیز به ارائه راهکارهایی در راستای کاربردی شدن حقوق شهروندی در ایران پرداخته شده است. تفاوت مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده، در این است که در پژوهش حاضر سعی شده است حق‌های سیاسی و مدنی و... به صورت دسته‌بندی شده مورد بررسی قرار بگیرد و راهکارهایی برای عملیاتی شدن بیان شود.

۱. سیر تاریخی شکل‌گیری نهاد حقوق شهروندی

مفهوم شهروندی همراه با دموکراسی در دولت-شهرهای یونان پدید آمده و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است (لیپست، ۱۳۸۳: ۹۵۰).

شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد آزاد امکان‌پذیر بوده است. شهروند رومی شهروندی فعال با اعمال قدرت سیاسی نبود و فقط پاره‌ای حق و تکلیف طبق قانون داشت. با وجود این، فراگیر بود و نوعی الیگارشسی نظامی و اقتصادی در آن به وجود آمد که مانع دموکراتیک شدن آن می‌شد و منحصر به بهره‌مندی از دادرسی عادلانه بود (کیت، ۱۳۸۱: ۳۲). در قرون وسطی نیز، مدل رومی شهروندی را

زنده نگه داشتند. حاکمیت نظام فئودالیت و شهروندی غیرهمگانی و سلسله مراتبی و طبق مالکیت کاملاً هویدا بود؛ ولی با توسعه لیبرالیسم، شهروندی منطق مساوات‌گرایانه به خود گرفت. در آن زمان (سده هفدهم)، ویژگی دولت‌ها پادشاهی مطلق بود که همه چیز در دولت دارای شخص شاه محسوب می‌شد (کاسلز و سون، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

با پیدایش دولت-ملت‌ها بعد از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸ میلادی) و کنگره وین (۱۸۷۵ میلادی)، نظام موازنه قوا نیز شکل گرفت و شهروندی اهمیت خاصی یافت. در این میان، لیبرالیسم سهم از جمله در پیدایش مفهوم شهروندی همگانی داشت.

در سده نوزدهم، مفهوم شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف بود که رابطه میان دولت‌های ملی و یکپایک شهروندان را مشخص می‌ساخت. در واقع باید گفت که در سده ۱۸ حقوق مدنی و در سده ۱۹ حقوق سیاسی شهروندی را توسعه بخشیدند و در سده بیستم نیز حقوق اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت و مردم به میزان زیادی به منابع عمومی دست یافتند.

انقلاب فرانسه و منشور حقوق بشر و شهروندی تأثیرات مهمی در این مفهوم داشته است از جمله، جنبش‌های حقوق مدنی، ضد تبعیض و بدست آوردن حق رأی نیز در توسعه مفهوم شهروندی و حقوق مربوط به آن نقش داشته‌اند.

۲. انواع حقوق شهروندی

برخی معتقدند حقوق شهروندی را می‌توان به چهار دسته مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد. شهروندی، موقعیت اعطا شده به همه اعضای جامعه است (شیبانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵). در ضمن می‌توان حقوق اقتصادی نیز به دسته‌بندی فوق نیز اضافه کرد.

الف. حقوق مدنی که در حقوق ایران با عنوان حقوق راجع به شخصیت نیز شناخته می‌شود، حقوق مربوط به حفظ ذات و عرض انسانی است. برخی صاحب‌نظران، به آن حقوق عمومی هم می‌گویند، زیرا پیش از هر چیز، اعمال این حقوق به طرفیت دولت و نمایندگان دولت است تا افراد عادی حقوق مدنی خود شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود.

برخی بر این باورند که گرچه حقوق مدنی به افراد واگذار شده است، اما برای ایجاد گروه‌ها، اجتماعات، انجمن‌ها و هر نوع جنبش و حرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد (کارگزاری، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

حقوق مربوط به آزادی‌ها شامل این موارد است:

- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد؛
- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش؛
- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان پیوندی آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی.

حقوق مربوط به مساوات شامل مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه‌ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و مساوات در خدمت نظام وظیفه است.

ب. حقوق سیاسی گونه دوم حقوق شهروندی است.

حقوق سیاسی شهروندان، حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می‌گیرد. حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی (شاگری و فدایی، ۱۳۹۳: ۱۷).

ج. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: جوهره حق‌های اجتماعی حق بهره‌مندی از استانداردهای مناسب زندگی است این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی - اقتصادی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود. این حقوق شامل:

۱. حمایت‌های مادی و درآمدی مانند تأمین مسکن، تأمین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تأمین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، ازکارافتادگی، پیری، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح)؛
۲. برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقب‌ترهای پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی؛
۳. حق داشتن کار؛
۴. حق مالکیت.

۳. حقوق سیاسی

حقوق سیاسی گونه‌ای از حقوق هستند که آزادی انسان را در برابر نقض غیرموجه توسط دولت‌ها حفاظت کرده و توانایی فرد را برای مشارکت در زندگی مدنی و سیاسی دولت، بدون تبعیض یا سرکوب سیاسی تضمین می‌کنند. از سوی دیگر، بایستی در نظر داشته باشیم که شهروندی رابطه‌ای است که بین فرد و حکومت وجود دارد و این رابطه دوسو به است که دربرگیرنده طیف وسیعی از حقوق و تکالیف می‌باشد. در یک حکومت مردم‌سالار،

قانون اساسی به‌عنوان یک میثاق ملی و مهم‌ترین سند حقوقی، زمامداری را سامان می‌بخشد تا حکومت و مردم در روابط متقابل خود، مکلف به رعایت قانون شوند. امروزه حقوق سیاسی بخشی از حقوق انسانی و شهروندی در هر قانون اساسی و برخی اسناد بین‌المللی محسوب می‌شود و یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان به‌شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، موضوع حقوق سیاسی شهروندی ذهن محققان را به خود مشغول داشته است و به دنبال ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و تضمین این حق شهروندی هستند.

۴. قانون اساسی ایران و حقوق شهروندی

گرچه برخی بر این باورند که حقوق شهروندی برای نخستین بار در اروپا شکل گرفته است، ولی از منظر مفهومی، این حقوق در ایران قرن‌ها پیش از اروپا مدون شده است. اعلامیه کوروش بزرگ پس از رسیدن به قدرت که با خردمندی در برخورد با دیگر اقوام و آئین‌ها همراه بود، نمونه‌ای از مستندات توجه ایرانیان به حقوق شهروندی است. او در اعلامیه مشهور خود به هنگام تاجگذاری در بیش از دو هزار و پانصد سال پیش گفت:

«من دین و آئین و رسوم ملت‌هایی را که پادشاه آن هستم محترم خواهم شمرد ... من هرگز سلطنت خود را بر هیچ ملتی تحمیل نخواهم کرد و هر ملت آزاد است سلطنت مرا قبول کند یا نکند ... من تا روزی که زنده هستم نخواهم گذاشت مال منقول و غیرمنقول کسی را به زور تصرف کنند یا شخصی را به بیگاری بگیرند و بدون پرداخت مزد او را به بیگاری بگیرند. هرکس آزاد است هر دینی را که میل دارد بپرستد و در هر راهی که میل دارد پیش گیرد ... هرکس مسئول اعمال خود است و هیچ‌کس را نباید به مناسبت تقصیری از یکی از خویشاوندانش مجازات کرد... من تا روزی که زنده هستم نخواهم گذاشت که مردان و زنان را به‌عنوان کنیز و غلام بفروشند» (جنیدی، ۱۳۹۷: ۱۸).

از سوی دیگر، بایستی در نظر داشت که قبل از انقلاب مشروطه ایران، حقوق شهروندی مدونی در ایران وجود نداشت. البته فقدان حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به‌عنوان میثاقی میان دولت و ملت بود و قدرت پادشاه را محدود می‌ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه فصلی با عنوان «حقوق ملت» مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی مورد تأکید قرار گرفت. در مورد حقوق شهروندی در متمم قانون اساسی مشروطه (اصول ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳) دو نکته قابل تأمل است:

نخست، تأکید بر برخورداری تمامی ایرانیان از حقوق فردی و جمعی؛

دوم اینکه، جامعیت نسبی آن می‌باشد به مفهوم دیگر، مهم‌ترین و کلی‌ترین حقوق شهروندی با رعایت فراگیری و عمومیت مورد ملاحظه واقع شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با تکیه بر جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد شمرده است و در آن، نهادهای حاکمیت، تعریف و حد و مرز اعمال آزادی ملت معین شده و نقطه تعامل بین حقوق ملت و دولت ترسیم گردیده است. اهمیت حقوق افراد جامعه یا حقوق شهروندان که اساساً حقی ذاتی است، تدوین کنندگان قانون اساسی را واداشته که از همان اصول اولیه قانون اساسی، حقوق شهروندان و حد و مرز آن‌ها را تبیین نمایند و بازیابی هویت اصلی و حقوق انسانی، از اهداف برجسته و اساسی نظام جمهوری اسلامی برشمرده شود. در اصل دوم بند ۶ پایه‌گذاری جمهوری اسلامی با احترام به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» و در بند ۷ اصل سوم «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و همچنین در فصل سوم (حقوق ملت) در اصول ۴۲-۱۹ از تساوی شهروندان ایرانی از هر نژاد و قوم، زن و مرد، مصونیت جان و مال، حقوق، مسکن و شغل آنان از تعرض و همچنین از ممنوعیت تفتیش عقاید گرفته تا حق دادخواهی و منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت مردم، همینطور در اصول دیگر قانون اساسی از حق مالکیت انسان در تعیین سرنوشت خود (اصل ۵۶ قانون اساسی)، گسترش و اجرای عدالت (اصل ۶۱ قانون اساسی)، این موارد از جمله مصادیق حقوق شهروندی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندان، در رسیدگی به شکایات آنان از دستگاه‌های دولتی برنامه‌های خاصی اندیشیده است. از جمله رسیدگی به شکایات مردم از کارکرد مجلس، قوه مجریه و قوه قضائیه که توسط مجلس شورای اسلامی پیگیری می‌شود (اصل ۹۰ قانون اساسی)، سازمان بازرسی کل کشور بر چگونگی و حسن اجرای قوانین نظارت دارد (اصل ۱۷۴ قانون اساسی). همچنین دیوان عدالت اداری به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها پیش‌بینی شده است (اصل ۱۷۳ قانون اساسی).

۵. حقوق سیاسی شهروندان

۵-۱. حق تابعیت

در دوران معاصر کرامت انسانی و حقوق بشر از اهمیت بنیادی برخوردار می‌باشد و دولت‌ها تکلیفی مهم و اساسی برعهده دارند. این حق از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که این حق، از حقوق ذاتی بشر که بنیان‌های نظم جهانی بر آن استوار است. تابعیت در واقع پیوند میان افراد و دولت است و به همین دلیل آن را حلقه ارتباط بین افراد و حقوق بین‌الملل و به خصوص حقوق بین‌الملل بشر می‌دانند. بنابراین کرامت انسانی از حمایت مطلق برخوردار می‌باشد و مشمول هیچ استثنایی نمی‌شود. بایستی در نظر داشت که در گفتمان حقوق بشر در واقع فضای پاسداری از حقوق افراد در مقابل دولت است. ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر این حق را برای افراد به رسمیت می‌شناسد. اسناد حقوق بشری به خصوص پس از جنگ جهانی دوم، بر این باور است که ضوابط و مقررات مربوط به تابعیت باید با اصول و قواعد بین‌المللی همراه و همگام باشد. اولین گام برای محدود نمودن دولت‌ها در باب تابعیت به نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری بر می‌گردد که دیوان، صلاحیت دولت‌ها در تدوین ضوابط و مقررات تابعیت به توسعه روابط بین‌الملل بستگی دارد.

علی‌رغم تحولات در مفهوم و چارچوب‌های تابعیت به‌عنوان یک حق بشری کماکان تئوری سنتی تابعیت واحد بر تئوری‌های دیگر غلبه دارد. وجود یک رابطه سیاسی - حقوقی بین فرد و یک دولت برای فرد حقوق و تکالیفی ایجاد می‌کند که از جمله آن‌ها حق داشتن تابعیت و تکلیف دولت مبنی بر ممنوعیت سلب تابعیت از اتباع خویش است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این امر به شکل کاملاً روشنی در اصل چهل و یکم بیان شده است. این اصل مقرر می‌دارد: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

به طوری که ملاحظه می‌شود نمی‌توان از هیچ ایرانی سلب تابعیت کرد. حق داشتن تابعیت، حق تغییر ارادی تابعیت پذیرفته شده‌اند. در خصوص حق تابعیت می‌توان به قواعد بین‌المللی متعددی اشاره کرد از جمله ماده پانزده اعلامیه جهانی حقوق بشر به آیین امر اشاره دارد:

۱. هرکس حق دارد دارای تابعیت باشد؛

۲. احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

۲-۵. حق مشارکت سیاسی

شاید بارزترین شکل حقوق شهروندی که مختص اتباع و بعضاً فقط مخصوص اتباع دارای ریشه ایرانی است می‌توان در حق مشارکت سیاسی ملاحظه کرد. مشارکت سیاسی به دو شکل بروز پیدا می‌کند.

۱-۲-۵. حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت به‌عنوان مهم‌ترین جلوه حاکمیت مردم است که از طریق تشکیل دولت در یک جامعه سیاسی، تجلی می‌نماید و در یک نظام سیاسی مبتنی بر آراء مردم، دولت به‌عنوان وسیله‌ای در راستای تأمین و تضمین حقوق اساسی مردم گام برمی‌دارد. بدیهی است تحقق حاکمیت مردم، ارتباط نزدیکی با مبانی و ساختارهای تشکیل دولت در یک نظام سیاسی دارد. یکی از مهم‌ترین اهداف و فلسفه تأسیس نظام‌های دموکراتیک که با تدوین قانون اساسی همراه است؛ پیش‌بینی مقدمات لازم جهت مشارکت ابتکاری و مؤثر مردم در تمامی فرایندهای تولید، توزیع، اصلاح و راهبری قدرت سیاسی است. مشارکت شهروندان در انتخابات و اداره امور کشور به‌عنوان یک سازوکار اولیه و مقدماتی تلقی می‌گردد تا به‌عنوان یکی از روش‌های تضمین حقوق بنیادین مورد استفاده قرار گیرد (دبیرنیا، ۱۴۰۳: ۲۵). در این خصوص همه افراد یک کشور که تبعه آن محسوب می‌شوند می‌توانند با شرکت در انتخابات مختلف نسبت به تعیین قواعد نسبت به جامعه خود اقدام و مجریان قوانین را انتخاب نمایند. در قریب به اتفاق کشورها این حق مختص تابعان آن کشور است و افرادی که تابعیت آن کشور را ندارند واجد چنین حقی نیستند و اصولاً موازین حقوق بشری نیز چنین وضعیتی را به رسمیت شناخته است. در جمهوری اسلامی ایران نیز قانون اساسی در اصول متعددی به این حق به‌عنوان یک حق غیرقابل سلب اشاره کرده است، از اصل ۵۶ قانون اساسی که به‌طورکلی از اعمال حاکمیت سخن می‌گوید تا اصل ۶ و سایر اصول قانون اساسی بر این امر پافشاری می‌کند و این حق را غیرقابل سلب از افراد ایرانی می‌شمارند. اصل پنجاه‌وششم قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد:

حاکمیت مطلق جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند آیین حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت آیین حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

در برخی از اسناد بین‌المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ ماده ۱ به بحث حق تعیین سرنوشت

پرداخته است:

۱. کلیه ملل دارای حق تعیین سرنوشت هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

۲-۲-۵. حق مشارکت در مدیریت سیاسی

حق مشارکت سیاسی ریشه در حق تعیین سرنوشت دارد که خود دارای دو بعد بیرونی و درونی است. حق تعیین سرنوشت بیرونی: به عنوان نظام پایه و اساس بین‌المللی به معنای حاکمیت مردم در بعد داخلی و بین‌المللی، استقلال و عدم مداخله بیگانه در امور آنهاست.

حق تعیین سرنوشت درونی: به معنای مردم‌سالاری و حاکمیت ملت در برابر دولت‌های خود است حق انتخاب متصدیان و کارگزاران حکومتی، مصداق بارز حق تعیین سرنوشت از بعد داخلی است، زیرا بر اساس این حق، حاکمیت داخلی یا درونی مردم قابلیت اجرا پیدا می‌کند (دبیرنیا و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۲).

اعلامیه جهانی حقوق بشر نخستین سند حقوق بشری بین‌المللی است که این حق را در ماده ۲۱ خود به شرح ذیل بیان داشته است: هرکس حق دارد مستقیماً یا به وسیله نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند در اداره امور عمومی کشور خود شرکت جوید. اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است، این اراده به وسیله انتخابات شرافتمندانه صورت می‌گیرد که دوره به دوره از طریق انتخابات عمومی یکسان، با رأی مخفی یا بنا به روشی مشابه با آن که آزادی رأی را تأمین، انجام می‌یابد.

از سوی دیگر در ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر داشته‌اند: هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ‌یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیر معقول:

الف. در اداره امور عمومی بالمباشره یا به واسطه نمایندگانی که آزاد انتخاب شوند شرکت نماید؛

ب. در انتخابات ادواری که از روی صحت به آراء عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب‌کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود؛

ج. با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود؛

در بررسی این حق در نظام حقوقی ایران به عنوان حقوق شهروندی عام پذیرفته شده نیست؛ بلکه مخصوص اتباع ایرانی با تابعیت اصیل است. یعنی کسانی که تابعیت اکتسابی دارند نمی‌توانند از این حقوق بهره‌مند شوند. از جمله این مشاغل وزارت، قضاوت و ... است (ماده ۹۸۲ ق. مدنی). اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از مشاغل سیاسی از این هم محدودتر شده است. به نحوی که فقط تابعین ایرانی که دارای تابعیت اصیل

بوده و ایرانی‌الاصل نیز هستند، می‌توانند از این حق استفاده کنند. آیین حق، حق کاندیداتوری ریاست جمهوری است. در اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی از جمله شرایط نامزد ریاست جمهوری ایرانی‌الاصل بودن را برمی‌شمارد.

اگرچه چنین محدودیت‌هایی در زمانی برای حفظ امنیت ملی کشورها و احتمال ناسازگاری با امنیت ملی در صورت واگذاری چنین حقوقی به کسانی که تابعیت اصیل ندارند وجود داشت، ولی با تحولات موجود در دنیای امروز و تسهیل در جابجایی افراد و حتی بعضاً افزایش تعلقات ایدئولوژیک به‌جای تعلقات جغرافیایی به نظر می‌رسد که چنین نگاهی به حق مشارکت در مدیریت دچار تردیدهای جدی شده است.

جدول شماره ۱: حقوق سیاسی شهروندان در قانون اساسی

عناوین حقوق سیاسی شهروندان	مصادیق حقوق سیاسی شهروندان در قانون اساسی
حق مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی خود	در جمهوری اسلامی ایران امور کشور بیاید به اتکا آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات ... (اصل ۶).
آزادی احزاب، تشکل‌های سیاسی و صنفی، اقلیت‌های دینی شناخته شده	احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت (اصل ۲۶).
آزادی تجمعات و راهپیمایی	تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است (اصل ۲۷).
منع تبعید و اقامت اجباری	هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد (اصل ۳۳).
حق تابعیت	تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند (اصل ۴۱). اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند (اصل ۴۲).
حق حاکمیت و سرنوشت اجتماعی	حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است ... (اصل ۵۶).
مشارکت اقلیت‌ها در فرایند تصمیم‌گیری‌ها	عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ... زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند (اصل ۶۴).

۶. حقوق مدنی شهروندان

مجموعه‌ای از حقوق، اختیارات و امتیازات افراد یا گروهایی از مردم که با حکومت یک کشور دارای رابطه شهروندی بوده و استیفا یا بهره‌مندی از تمام یا بخشی از آن‌ها مشروط و مقید به انجام تکالیف شهروندی و التزام به قوانین و مقررات عمومی کشور مذکور است.

جدول شماره ۲: حقوق مدنی شهروندان در قانون اساسی

عناوین حقوق مدنی شهروندان	مصادیق حقوق مدنی شهروندان در قانون اساسی
منع تبعیض	مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود (اصل ۱۹).
تساوی افراد در برابر قانون	همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ... برخوردارند (اصل ۲۰).
مصونیت در مقابل تعرض	حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند (اصل ۲۲).
آزادی عقیده	تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار دارد (اصل ۲۳).
آزادی بیان	نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند ... (اصل ۲۴).
منع مجازات غیرقانونی	حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶). احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون ... باشد (اصل ۱۶۶).
منع شکنجه	هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است ... متخلف از آیین اصل طبق قانون مجازات می‌شود (اصل ۳۸).
منع هتک حرمت	هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است (اصل ۳۹).

برای نمونه در حقوق مدنی شهروندان؛ اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای آیه کریمه: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)، در جمهوری اسلامی ایران هم اقوام از قبیل فارس، آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظایر اینها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچ‌کس را بر دیگری امتیاز نیست، مگر به تقوا (اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸: ۷۵).

۱. در واقع این اصل نافی هرگونه امتیازات طبقاتی، قومی و نژاد است. برابری مندرج در اصل ۱۹ قانون اساسی عمدتاً ناظر به برابری در مقابل قانون و برخورداری از حمایت قانونی از تمام آحاد جامعه صرف‌نظر از پایگاه قومی، طبقاتی و نژادی است.

به هر حال، حقوق شهروندی ناظر به حقوق فطری انسان بوده و سلب ناشدنی، غیرقابل تخلف، ازلی و ابدی است.

نمونه دیگر، اصل بیست و سوم قانون اساسی است. که مقرر می‌دارد: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

در این اصل بر روی دو نکته مهم تأکید شده است: نخست اینکه، تفتیش عقاید ممنوع است؛ دوم، کسی را به صرف داشتن عقیده‌ای نمی‌توان مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. در مورد نخست بایستی اذعان کرد کاملاً روشن است، چراکه تجسس در امور شخصی و خصوصی دیگران ممنوع است. اما در اینجا بایستی توجه کرد که ممنوعیت تفتیش و تجسس در کار دیگران، در صورتی که امر مهم و مصلحت ارجح اجتماعی در کار نباشد، در غیر این صورت مطمئناً جایز خواهد بود؛ چنانچه حفظ اسرار افراد در صورتی واجب است که امر اهمی برافشای آن دخالت نکند، در غیر این صورت افشای اسرار نه تنها حرمتی ندارد، بلکه در برخی از شرایط واجب هم خواهد بود. در مورد دوم نیز بایستی اذعان کرد که در جمهوری اسلامی، حکومت، شهروندان را به پذیرش عقیده دینی خاصی مجبور نمی‌سازد، ولی بایستی در نظر داشت که حکومت، مسئول حفظ شعائر و ظواهر دینی در جامعه است. یقیناً حکومت اسلامی اجازه شکستن حرمت و قداست احکام و حدود الهی را در جامعه نخواهد داد. در اینجا بایستی توجه داشت که بین واداشتن شهروندان به پذیرش دین و جلوگیری از تخلف آشکار از شعائر دینی در مجامع و معابر عمومی متفاوت است (نیکزاد، پیشین: ۱۶-۱۴).

۷. حقوق اجتماعی و فرهنگی

مقنن اساسی در جمهوری اسلامی ایران این حقوق مورد شناسایی قرار داده و چند اصل قانون اساسی به این حقوق اختصاص یافته است. در جدول ذیل به آن پرداخته شده است.

جدول شماره ۳: حقوق اجتماعی - فرهنگی شهروندان در قانون اساسی

عناوین حقوق اجتماعی - فرهنگی شهروندان	مصادیق حقوق اجتماعی - فرهنگی شهروندان در قانون اساسی
آزادی مذهبی	مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان آیین مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از آیین مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب (اصل ۱۲).
آزادی اقلیت‌های دینی	ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آئین خود عمل می‌کنند (اصل ۱۳).
آزادی استفاده از زبان‌های محلی	... زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است (اصل ۱۵).
رعایت حقوق زنان	دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات ... تضمین نماید (اصل ۲۱).
حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان	دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد (اصل ۳۰).

از سوی دیگر، از جمله حقوق مورد تأکید در اسناد و معاهدات حقوق بشری حقوق فرهنگی و اجتماعی است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر در بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۷ چنین بیان شده است:

۱. هرکس حق دارد آزادانه در زندگانی فرهنگی اجتماع شرکت جوید و از اقسام هنرها استفاده کند و در پیشرفت علمی و برکات حاصل از آن سهیم باشد؛

۲. هرکس حق دارد از منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه دستاورد علمی و ادبی یا هنری که بوجود آورده باشد، حمایت شود.

از سوی دیگر، درگام بعدی برای توسعه حقوق فرهنگی و اجتماعی در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۵ چنین مقرر شده است:

۱. کشورهای طرف آیین میثاق حق هرکس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

الف. شرکت در زندگی فرهنگی؛ ب. بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن؛ ج. بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه اثر علمی - ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است.

۲. تدابیری که برای تأمین اعمال کامل آیین حق توسط کشورهای طرف آیین میثاق اتخاذ خواهد شد، باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد؛

۳. کشورهای طرف آیین میثاق متعهد می‌شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقه را محترم بشمارند؛

۴. کشورهای طرف آیین میثاق به فواید حاصل از تشویق و توسعه همکاری و تماس‌های بین‌المللی در زمینه علم و فرهنگ اعتراف می‌نمایند.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت: پس از دهه هفتاد میلادی، اهمیت حقوق فرهنگی در جامعه بین‌المللی برجسته‌تر شد و تلاش‌های زیادی برای توسعه حق بر فرهنگ از سوی سازمان ملل صورت گرفت. در همین راستا یونسکو دهه ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ را دهه توسعه فرهنگی نامگذاری کرد. یونسکو نه تنها برای توسعه فرهنگی برنامه‌های زیادی اجرا کرد بلکه بسیاری از اسناد هنجارساز در در زمینه حقوق فرهنگی تدوین کرد. از جمله: اعلامیه مربوط به اصول همکاری فرهنگی بین‌المللی ۱۹۶۶، اعلامیه جهانی آموزش برای همه در سال ۱۹۹۰، اعلامیه اصول مربوط به رواداری ۱۹۹۵ و بسیاری دیگر از اسناد مهم بین‌المللی.

۸. حقوق اقتصادی به‌عنوان یک حق شهروندی

حقوق اقتصادی به نوعی می‌توان گفت به‌عنوان پیش درآمدی مادی در راستای تحقق حقوق مدنی و سیاسی شهروندان به حساب می‌آید (Twine, 2002: 12) مقنن اساسی توجه ویژه‌ای به مقولاتی همچون رفع فقر، منع تبعیض، عدالت اجتماعی و امثال آن دارد. همچنین تأکید بر عناصری مانند رفع تبعیض‌های ناروا، تعمیم بیمه و ایجاد امکانات عادلانه در راستای محرومیت‌زدایی در زمینه‌های تغذیه، مسکن، بهداشت و همچنین منع تبعیض اقتصادی و حمایت در برابر ثروت غیرمشروع تأییدکننده این توجه خاص قانونگذار اساسی می‌باشد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله حقوقی که برای افراد بیان شده است حقوقی است که در حوزه امور اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد. حق بر مسکن، حق بر اشتغال و ... از جمله این حقوق به‌شمار می‌رود.

در این اعلامیه در مواد متعددی به مباحثات حقوق اقتصادی پرداخته است از جمله:

ماده ۲۲- هرکس از حیث اینکه عضو جامعه محسوب است حق دارد از تأمین اجتماعی برخوردار گردد و می‌تواند به کمک کوشش ملی و یاری بین‌المللی با توجه به سازمان و امکانات هر کشور از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که با حیثیت و تکامل آزاد شخصیت انسانی ملازمه داشته باشد، بهره‌مند شود.

ماده ۲۳- هرکس حق کار و حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و ارضاکننده دارد، نیز حق دارد که در مقابل بیکاری حمایت شود.

هرکس در مقابل کار مساوی، بدون هیچ‌گونه رعایت امتیاز، حق دستمزد مساوی دارد. هرکس در مقابل کار، حق دارد دستمزدی منصفانه و ارضاکننده دریافت کند که برای او و خانواده‌اش وجه معیشتی فراهم آورد که شایسته حیثیت کمال یافته انسانی باشد و در صورت مقتضی حق دارد از کلیه وسایل حمایت اجتماعی استفاده نماید. هرکس حق دارد برای پشتیبانی از منافع خود، با دیگران تشکیل سندیکا بدهد و عضو سندیکایی شود.

در این اعلامیه (مواد ۲۳، ۲۲، ۲۵) به بحث حقوق اقتصادی پرداخته‌اند از سوی دیگر در نظام حقوقی ایران بدون شک در مقابل حق شهروندان برای دسترسی به مسکن مناسب و امکان اشتغال و آزادی شغل تکالیفی هم بر دولت بار می‌شود.

به نظر می‌رسد وظیفه دولت در این حوزه مهیا کردن شرایط و حرکت تدریجی در چارچوب امکانات کشور باشد. چراکه امکان ایجاد اشتغال و فراهم کردن مسکن در زمانی کوتاه نه ممکن است و نه میسر بنابراین تکلیف دولت در این زمینه را تکلیفی تدریجی قلمداد می‌نمایند.

از جمله حقوق مدنظر در حوزه حقوق جمعی، حقوق کار می‌باشد که در میثاق و مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، مؤکداً به این حق پرداخته و آن را از حقوق غیرقابل سلب می‌شمارند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گرچه مستقیماً به این حق برای شهروندان پرداخته نشده است، ولی می‌توان از برخی اصول قانون اساسی این حق را استنباط کرد. از جمله در اصل بیست و ششم که به آزادی تشکیل گروه‌های صنفی اشاره دارد که به نوعی به این حق در حوزه حقوق جمعی و کار نیز اشاره می‌کند.

جدول شماره ۴: حقوق اقتصادی شهروندان بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مصادیق حقوق اقتصادی شهروندان در قانون اساسی	عناوین حقوق اقتصادی شهروندان
دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید (اصل ۲۸).	شرایط مساوی در اخذ و کسب شغل
از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقب‌ترهای پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است ... خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند (اصل ۲۹).	برخورداری از تأمین اجتماعی
داشتن مسکن متناسب با نیاز، با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند (اصل ۳۱).	برخورداری از مسکن
هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است (اصل ۴۶). مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است (اصل ۴۷).	حمایت از کسب و کار و مالکیت
هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به‌موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به‌موجب قانون مشخص می‌شود (اصل ۵۱).	منع وضع مالیات غیرقانونی

۹. راهبردهای کاربردی ساختن حقوق شهروندی

۱. ابلاغ روش‌های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد رعایت حقوق شهروندی؛
۲. نظارت بر رعایت حقوق شهروندی در سازمان‌های دولتی و عمومی و تأکید بر ضرورت موضوع؛
۳. وضع قوانین و مقررات لازم برای حقوق شهروندان و صیانت از حریم امنیت عمومی؛
۴. گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج رعایت حقوق شهروندی و صیانت از حریم امنیت عمومی در جامعه؛
۵. اصالت بخشی به فرهنگ حقوق شهروندی و رعایت حریم امنیت عمومی از طریق محصولات متنوع فرهنگی، هنری مناسب؛
۶. ترویج و تبلیغ الگوهای مناسب برای رعایت حقوق شهروندی؛
۷. هماهنگی و همکاری با رسانه‌های جمعی جهت ایجاد حساسیت لازم در خانواده‌ها نسبت به اهمیت فرهنگ حقوق شهروندی و رعایت حریم امنیت عمومی؛
۸. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی - هنری، منطق‌هایی، ملی و بین‌المللی برای رواج فرهنگ حقوق شهروندی؛
۹. ارزیابی مستمر وضعیت ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف در دستیابی به اهداف ستاد مرتبط با حوزه حقوق شهروندی؛
۱۰. ارتباط مستمر و تبلیغی با دستگاه‌های مختلف در جهت گسترش و تعمیم اهداف حقوق شهروندی در جامعه؛
۱۱. ترویج الگوهای مناسب حقوق شهروندی از طریق تولید فیلم و سریال و سایر برنامه‌های تلویزیونی و انجام مناظره علمی، فرهنگی و هنری در راستای اهداف ستاد؛
۱۲. نشان دادن اثرات تحقق اجرای حقوق شهروندی در زندگی اجتماعی و خانوادگی آحاد جامعه؛
۱۳. انعکاس موفقیت‌های جوانان - در ابعاد مختلف با هدف احیاء و تقویت شخصیت و منزلت اجتماعی آن‌ها در راستای حفظ حقوق شهروندی؛
۱۴. تهیه برنامه‌های مختلف در خصوص تاریخچه و جایگاه حقوق شهروندی (شاکری و فدایی، ۱۳۹۳: ۲۴۱-۲۴۰)؛

۱۵. اتخاذ سیاست‌های انضباطی در خصوص ناقضین حقوق شهروندی و تجلیل و تبلیغ از چهره‌هایی که در مناظر اجتماعی و عمومی، حقوق شهروندی را رعایت می‌کنند؛
۱۶. سفارش ساخت و تولید آثار برجسته و تأثیرگذار در موضوع حقوق شهروندی؛
۱۷. الزام اتحادیه‌ها، سندیکاها و صنوف به رعایت قوانین و مقررات خود در حفظ حقوق شهروندان؛
۱۸. اهتمام بیشتر به آگاه‌سازی جامعه از آثار مثبت اجتماعی و اخلاقی رعایت حقوق شهروندی و نتایج منفی عدم رعایت آن از طریق خلق آثار فرهنگی، هنری و تبلیغی (با مشارکت دستگاه‌های ذیربط)؛
۱۹. کنترل و نظارت جدی بر رعایت حدود و ضوابط قانونی حقوق شهروندی در جامعه؛
۲۰. جلوگیری از فعالیت واحدهای صنفی متخلف که باعث مخدوش کردن حقوق عمومی می‌شوند با همکاری دستگاه قضایی.
۲۱. آسیب‌شناسی و مطالعه توسعه فرهنگ حقوق شهروندی و صیانت از امنیت عمومی در نظام تبلیغی دینی و ایجاد نوآوری در آیین زمینه؛
۲۲. توسعه فضای پرسش و پاسخ مانند برگزاری میزگرد و انجام مناظره در زمینه ترویج فرهنگ حقوق شهروندی با به‌کارگیری ابزارهای مختلف تبلیغی؛
۲۳. برگزاری مسابقات فرهنگی - هنری و علمی با هدف جهت‌دهی به افکار نسل جوان با موضوع شهروندی نمونه و نظرسنجی از شرکت‌کنندگان در تهیه طرح‌ها و برنامه‌های مناسب در آیین زمینه (همان، ۲۴۲)؛
۲۴. تهیه پودمان‌های آموزشی ترویج فرهنگ حقوق شهروندی و امنیت عمومی برای خانواده‌ها؛
۲۵. ارائه تسهیلات و خدمات ارزان برای دستگاه‌ها و نهادهای مردم نهاد که در توسعه اهداف حقوق شهروندی فعالیت می‌کنند (دستمال‌چیان، ۱۳۹۰: ۸۶-۷۷).

نتیجه‌گیری

علمای حقوق، شهروند را معادل تبعه دانسته و به کسی گفته می‌شود که از حقوق مدنی، سیاسی یک جامعه سیاسی بهره‌مند است. بدین ترتیب بسیاری از انسان‌ها از تعریف مذکور و از شمول حقوق شهروندی خارج می‌شوند. در دیدگاهی وسیع‌تر، شهروند و حقوق شهروندی، صرف‌نظر از تعلقات ملی، همه افراد ساکن کشور را در بر می‌گیرد.

در حقوق ایران اصطلاح «شهروند» هم به معنی اخص (تبعه) و هم به معنای عام، یعنی کلیه افراد ساکن در کشور، به کار رفته است. گرچه حقوق شهروندی و حقوق بشر در برخی از موارد به جای هم استفاده می‌شوند، اما این دو قابل تفکیک بوده و نسبت بین این دو عموم و خصوص من وجه است.

در این نتیجه‌گیری، اول از همه مهم این است که تأکید شود که ذکر حقوق بشر و شهروندان در اسناد بین‌المللی و متون قانون اساسی و عادی دردی را درمان نمی‌کند. این اجرای قانون در عمل به وسیله دستگاه‌های قضایی و اجرایی کشورها است که حلال مشکلات است و برای افراد جامعه اهمیت دارد. مثلاً برای حل مشکلات یک جامعه، دادن شعار یا حتی ثبت و ضبط حقوق مردم در متن مدون قانون اساسی کافی نیست. ما در ایران از نظر تاریخی یکی از اولین کشورهایی هستیم که در قاره آسیا با انقلاب مشروطیت به یک قانون اساسی مدون دست یافتیم. اما حقوق شهروندان خیلی به ندرت برابر این قانون استیفا می‌شد.

در صورتی که در تاریخ کشور ما با داشتن قانون اساسی مدون که هر دو هم در پی دادن تلفات به صورت انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی به دست آمد، حقوق شهروند هنوز جا نیفتاده است و اجرای هر کدام از حقوق شهروندی، یک معضل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اداری، امنیتی و ... تلقی می‌شود.

حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر حقوق کلی و اساسی است. با مرور اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی می‌توان سه دسته اصول را از یکدیگر متمایز ساخت: دسته نخست، مجموعه اصولی هستند که بدون هیچ‌گونه قید و شرطی به عنوان حق شهروندی مورد تأکید می‌باشد؛ گروه دوم، شامل مجموعه اصولی هستند که در متن آن‌ها قیدها و محدودیت‌هایی مشخص شده است؛ دسته آخر، اصولی هستند که ناظر بر حقوق مشروط شهروندان است.

شروط اساسی در این دسته قوانین عبارتند از: عدم اخلال به مبانی اسلام، عدم نقض استقلال، آزادی و وحدت ملی و موازین اسلام، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران. در مجموع مشخص کردن حقوق شهروندی در قانون اساسی در جامعه ایران را باید گامی مهم و اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد.

در پایان می‌توان گفت: بسیاری از حقوق مدنی، مثل حق امنیت، صیانت از حیثیت، جان، حقوق و مسکن اشخاص و نیز بهره اقلیت‌های دینی از احوال شخصیه خاص خود، هم در اسناد بین‌المللی و هم در حقوق ایران، حقوق بشر و شهروندی به طور یکنواخت و بدون تبعیض مورد شناسایی قرار گرفته است.

در بخشی از حقوق سیاسی، مثل حق آزادی بیان و عقیده و منع تجسس نیز حقوق ایران بر حقوق همگانی احترام گزارده است، اما در بخشی دیگر از حقوق سیاسی، تشکیل گروه‌های جمعیت‌های فعال سیاسی و سهیم شدن در حاکمیت و حکومت، حقوق ایران برای بیگانگان محدودیت کلی قائل شده است.

فهرست منابع

- احمدی طباطبایی، محمدرضا؛ (۱۳۸۸). «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸.
- جنیدی، فریدون؛ (۱۳۹۷). *حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان*، تهران: نشر بلخ.
- دبیرنیا، علیرضا؛ (۱۴۰۳). «اتکاء به آراء عمومی در نظام‌های دموکراتیک و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوق عمومی تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱.
- دبیرنیا، علیرضا؛ محبی داوود؛ جلیلی، آیت‌الله؛ (۱۴۰۲). «حق بر مشارکت سیاسی و رأی اجباری، تضاد یا سازگاری؟»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۱.
- دستمال‌چیان، احمد؛ (۱۳۹۰). *کلیاتی راجع به حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور*.
- شاکری، حمید؛ فدایی، علی‌اصغر؛ (الف. ۱۳۹۳). «تحلیلی بر گفتمان حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه کانون وکلای دادگستری فارس، شماره ۵.
- شاکری، حمید؛ فدایی، علی‌اصغر؛ (ب. ۱۳۹۳). «تأملی بر شورای شهر، شهرداری و مراجع حل اختلاف شهری در نظام حقوقی ایران»، در مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
- شاکری، حمید؛ (۱۳۹۲). «تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر مدیریت شهری با تأکید بر شورای شهر و شهرداری شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- شیبانی، ملیحه؛ (۱۳۸۶). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
- فالكس، کیت؛ (۱۳۸۱). *شهروندی*، مترجم: نقیب‌زاده، احمد، چاپ غزال: تهران.
- کارگزاری، جواد؛ (۱۳۸۳). «حقوق شهروندی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم.
- کاستلز، استفان و دیوید سون، آ؛ (۱۳۸۲). *مهاجرت شهروندی*، مترجم: تقی، رامرز، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارتین لیست، سیمود؛ (۱۳۸۳). *دائرة المعارف دموکراسی*، مترجم: فانی، کامران و مرادی، نوراله، جلد دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نیکزاد، عباس؛ (۱۳۸۳). «حقوق مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دوماهنامه رواق اندیشه، شماره ۲۹.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۸). *حقوق بشر و آزادی اساسی*، تهران: نشر میزان.

References

- Andrerssen, B. A (1999). The Universal Declaration on Human Rights: A Common Standard of Achievement, G. Alfredsson and A. Eide (Eds).
- Kannan, K.P (2004). Social Security, Poverty Reduction and Development Arguments for enlarging the concept and coverage of social security in a globalizing world, ESS Extension of Social Security, Global Campaign on Social Security and Coverage for All, Geneva, International Labor Office, International Labor Organization.
- Twine, F (2002). Citizenship and Social Rights in handbook of Citizenship Studies ، Engin F ،Isin and Bryan S ،Turner (Eds), London: sage publication.

In Persian

- Ahmadi Tabatabai, Mohammad Reza (2009). "Citizenship rights with an emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran". The Islamic Revolution Approach Quarterly. third year. Number 8. Spring.
- Andrerssen, B. A (1999). The Universal Declaration on Human Rights: A Common Standard of Achievement, G. Alfredsson and A. Eide (Eds).
- Castells, Stephen and David Son, A (2003). Citizenship immigration. Translator: Taghi, Ramrez. Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications.
- Debirnia, Alireza (2024). "Relying on public votes in democratic systems and the constitution of the Islamic Republic of Iran", Journal of Comparative Public Law, Volume 1, Number 1, Spring.
- Debirnia, Alireza, Mohebi, Dawood, Jalili, Ayatollah (2023). The right to political participation and compulsory voting, conflict or compatibility? Quarterly Journal of Public Law Studies. Volume 53. Number 1. Spring.
- Dasmalchian, Ahmed (2011). General information about citizenship rights; Civil Rights Protection Department of the Ministry of Interior.
- Faulks, Keith (2002). Citizenship, Translator: Naqibzadeh, Ahmed. Ghazal Publishing: Tehran.
- Hashemi, Seyyed Mohammad (2019). Human rights and fundamental freedom. Tehran: Mizan Publishing.

- Kannan, K.P (2004). Social Security, Poverty Reduction and Development Arguments for enlarging the concept and coverage of social security in a globalizing world, ESS Extension of Social Security, Global Campaign on Social Security and Coverage for All, Geneva, International Labor Office, International Labor Organization.
- Kargazari, Javad (2004). "Citizenship Rights", Fundamental Rights Journal. second year. Second Issue. Summer.
- Juneidi, Fereydoun (2018). Human rights in today's world and world rights in ancient Iran. Tehran: Balkh Publishing House.
- Martin Lipset, Simud (2004). Encyclopedia of Democracy. Translator: Fani, Kamran and Moradi, Noorale. The second volume. Tehran: Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs.
- Nikzad, Abbas (2004). "People's Rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran". Rowak Andisheh bimonthly. Number 29. May.
- Shakri, Hamid (2013). The effect of good governance components on urban management with an emphasis on Shiraz city council and municipality. Master thesis of Shiraz University.
- Shakri, Hamid and Fadaei, Ali Asghar (2014.a). An analysis on the discourse of citizenship rights with an emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Fars Association of Lawyers Journal. Number 5. Spring.
- Shakri, Hamid and Fadaei, Ali Asghar (2014.b). A reflection on the city council, municipality and urban dispute resolution authorities in Iran's legal system. In the Proceedings of the National Conference on Architecture and Sustainable Urban Landscape. farvardin.
- Shibani, Maleeha (2007). "Citizenship and participation in the comprehensive welfare and social security system". Social Security Rights Quarterly. first year. number 1.